

از تقلای اپوزیسیون تا استواری دولت وحدت ملی

سرمقاله

وضعیت سنگین هلمند و آرامش نسبی در مرکز

عبدالرحمن فهیمی

در کنار ولایت های شمال، امنیت ولایت جنوبی هلمند نیز نگران کننده بوده است. بارها نگرانی های جدی از سوی نمایندگان مجلس و افسران نظامی در مورد وضعیت وخیم و شکننده این ولایت ابراز شده، اما حکومت از آمادگی ها و مبارزه جدی سخن زده اند. در اکثریت ولسوالی های این ولایت جنگ جریان داشته و در این روزها ولسوالی سنگین زیر حملات شدید قرار داشته است. با این که اعضای شورای ولایتی هلمند، از سقوط ولسوالی سنگین سخن می زنند، اما وزارت دفاع ملی در مرکز کشور، سقوط این ولسوالی را رد کرده و سقوط چند پاسگاه نیروهای نظامی ملی را تایید می کند. به هر صورت چه این که سقوط ولسوالی سنگین به دست گروه طالبان حقیقت داشته باشد یا نداشته باشد، بر اساس گزارش ها وضعیت جنگی در این ولسوالی رضایت بخش نیست. گزارش ها می رساند که حدود ۴۰۰ نفر از سربازان اردو و پولیس ملی در محاصره گروه طالبان قرار داشته و اگر اقدام فوری و جدی جهت شکستن محاصره نگردد، جان همه این نظامیان با تهدید مواجه است. بحث دیگری که رضایت بخش نبودن و بحرانی بودن وضعیت جنگ هلمند را نشان می دهد، بی توجهی به خواسته های مکرر حکومت محلی شامل مسئولان نظامی و غیر نظامی، می باشد.

از بی قراری ها و بی ثباتی های مقام های حکومت محلی هلمند که بگذریم، آرامش نسبی در مرکز دیده می شود. مسئولان سقوط سنگین را رد نوشته معاون والی هلمند را غیر قانونی و از آگاهی حکومت مرکزی سخن زده اند. در این وضعیت نگران کننده، بیم آن وجود دارد که هلمند کندز دوم و سرنوشت سربازان محاصره شده، مشابه سرنوشت سربازان جلریز نشود. بنابراین این تشویش و نگرانی وجود دارد که سربازان محاصره شده به سرنوشت غم بار دچار نشوند. این بار سربازان کمی نیست. حدود چهار صد سرباز اردو و پولیس ملی. اگر این ها مواد خوراکی و از همه مهمتر مهمات مورد نیاز جنگی شان را تمام کنند و از سوی وزارت های دفاع ملی و امور داخله نیز اقدام جهت شکستن محاصره صورت نگیرند، دو راه را پیش رو دارند: اول تجهیزت شان را بر زمین گذاشته و به دشمن تسلیم شوند که در این صورت احتمال دارد، آن ها زنده بگذارد و دوم این که تا آخرین گلوله و آخرین نفس بجنگند و کشته شوند. در هر دو حالت، مقدار بی شماری از امکانات و ابزار جنگی حکومت به دست دشمن افتیده و به گونه قوی خواهد شد و نیز بحران های سیاسی، سازمانی و اجتماعی جدی را در پی خواهد داشت.

گذشته از موضوعات و مباحث سیاسی مانند نفوذ «ستون پنجم» در درون ساختار حکومت و سازمان های نظامی و امنیتی و با گرایش های قوم مدارانه برخی از مسوولان، یکی از مشکلات و چالش های جدی پیچیدگی ساختاری است. این بحث در گزارش هیئت حقیقت یاب سقوط کندز نیز مطرح شده بود. بحث پیچیدگی ساختاری تنها در سازمان های نظامی نیست، بلکه در همه سازمان های حکومتی وجود داشته و به عنوان یک چالش خفه کننده و «زمان بر» فرصت ها را می گیرد. زمان که یک مشکل ساده در یک اداره دولتی پیش می آید، حل آن ماه ها را در بر می گیرد. رییس جمهور از بروکراسی و کاغذ پرانی ها در وزارت امور داخله شکایت کرده و تاکید کرد که این وضعیت برای اش قابل پذیر نخواهد بود. پس آقای رییس جمهور، بهتر است هرچه زودتر دست بکار شده و طرح های لازم جهت ایجاد اصلاحات در اداره و در نهایت برچیدن کاغذپرانی ها روی دست گرفته شود. اول باید از وزارت های دفاع ملی، امور داخله و ریاست امنیت ملی و ... شروع کرد. زیرا چگونه اداره کردن این نهادها با زندگی مردم و جان سربازان در میدان های نبرد ارتباط دارد. سربازان در میدان های نبرد محاصره شده و بدون کمک و اعزام نیروی پشتیبان دست و پنجه نرم می کنند و مانند سربازان جلریز جان می دهند و اکنون مانند سربازان در سنگین هلمند، محاصره می شوند، اما مقام های نظامی در مرکز وضعیت را چندان جدی نمی گیرند.

قدرت تنها در جدال با رقیب است که خودش را بازسازی می کند و پویایی می یابد. قدرت در غیاب رقیب اما، زود فربه می شود و به رخوت گرفتار می گردد. در این وضعیت بافتار قدرت، استحکام خودش را از دست می دهد و قوام آن به استهلاک نزدیک می شود. دموکراسی اما، سهمیه ی قدرت را همیشه عادلانه توزیع می کند و از فربه شدن قدرت جلوگیری می کند. به همین اساس است که تمرکز و انحصار در دموکراسی جایگاه خودش را از دست می دهد.

قدرت مطلق، در مرور زمان پوسیده می گردد، بدین سبب که از تغییر شرایط و نیاز های زمانه ی سیاست غافل می ماند و کم کم در بیخ های خطر ناک شرایط، به سقوط مواجه می شود. دموکراسی اما وضعیت را دید می آورد که در آن فضا، قدرت مجبور است که در هر زمان خودش را پاسخگو و فعال احساس کند، وگرنه مجبور است که صحنه را برای رقیب واگذار نماید. بدین رهیافت، دموکراسی تنها فضایی برای نیست، بلکه همچون هوای پاک است که فضای شفاف و تازه را برای نفس کشیدن قدرت و رقیب قدرت پدید می آورد. با این اصل، دموکراسی برای رشد و پویایی قدرت حاکم، وجود مقلوم رقیب را نیز یک اصل حیاتی در نظر می گیرد و بر وجود آن اصرار می ورزد.

دموکراسی کپولت سنن را برای قدرت حاکم، نا پسند و خطرناک می داند، درست با همین اصل است که برای قدرت حاکم، جانشینی و تحول را یک امر واجب می داند. اصل تحول و جانشینی در قدرت، وجود و ایجاد قدرت رقیب را به صورت اپوزیسیون، حیاتی می داند. اپوزیسیون بعنوان قدرت رقیب برای اقتدار حاکم، همیشه خودش را به روز رسانی می کند و برای تحویل گیری قدرت آمادگی می گیرد. این وضعیت تا کپولت قدرت حاکم جلوگیری می کند و در کنار آن نیرو های جوان را برای سهم گیری در قدرت ترغیب و آماده می سازد. با این فرایند است که قدرت در تاروپود

جامعه نفوذ می نماید و ذهن شهروندان را به مسایل سیاسی زمانه حساس و مسئول تربیت می کند. مسئولیت تحویل گیری قدرت برای قدرت رقیب، نیازمند آنست که قدرت رقیب دارای برنامه ی کامل برای جاگزینی قدرت حاکم باشد. در غیر این صورت، قناعت عام را به دست آورده نمی تواند و از اقبال عمومی حذف می گردد. این امر، نهاد اپوزیسیون را مجبور می سازد که برنامه های حاکم را به صورت کارشناسانه نقد نموده و برنامه کارشناسی شده را برای جاگزینی در دست داشته باشند. تجربه ثابت ساخته است که تنها تولید برنامه به امید جاگزینی، برای نهاد اپوزیسیون چندان سعادت بخش نیست و حتی نیروهای اپوزیسیون را آرمانی و ذهنی بار می آورد و از چانه زنی عملی و مفید تهی دست می گذارد. بدین ضرورت، علاوه بر برنامه سازی، استراتژی و ساختار سالم و با ثبات، برای نهاد اپوزیسیون اصل اولیه است. پیکر بندی تا متجاسس در ساختار تشکیلات اپوزیسیون، حتی این نهاد را در برنامه سازی دچار اختلال می سازد.

در افغانستان اما، قدرت همیشه خاصیت

سیدآصف حسینی



است. بر همین اساس است که در افغانستان اپوزیسیون مسلح بیش از حد قدرت و گستردگی یافته است. اپوزیسیون مسلح، در خوی و خصلت، از قدرت خودکامه چیزی کم ندارد. بدین معنا که اپوزیسیون مسلح جز کسب قدرت به صورت تمام، دیگر اندیشه و تلاشی ندارد. کسب قدرت به صورت مطلق، جز حذف قدرت حاکم دیگر امر ممکن نیست. انتقال قدرت به این روش و منش، هیچ تأثیری مثبت و سازنده ی برای جامعه ندارد و دموکراسی را برای همیشه نابود می سازد. بر همین اساس است که دموکراسی از دهه چهل تا به امروز در افغانستان نا امید و سرخورده مانده است.

اپوزیسیون به صورت هم خوب با دموکراسی، تنها در زمان حکومت حامد کرزی، شکل گرفت. اما چندان سازگار فنی نداشت. بدین صورت که از عنصر نقد فنی و ارائه برنامه ی فنی در راستای بهسازی مدیریت کشور، عاری و مبری بود. چه آنکه برنامه ی به صورت مکتوب و مدونی، از طرف اپوزیسیون در دسترس رسانه و نخبگان اجتماعی قرار نگرفت. چه آنکه اصلا منتشر و مطرح نشد. با این هم اپوزیسیون

مطلق انکاری و مطلق داشته است. به همین خوی و خاصیت بود که رقیب همیشه به دیده دشمن پنداشته می شد. از همین جهت بود که رقیب پیوسته در جستجوی قدرت فیزیکی برای نفوذ در ساختار قدرت بوده است. این وضعیت متأسفانه فضای سیاست را در افغانستان طوری بار آورد که خشونت و باج گیری ذنبال قدرت سیاسی، از راه خشونت و باج گیری دنبال می گردد. در این قاعده ی بازی متأسفانه تعامل و مدارا جای چندانی برای رشد نیافته است. در فرهنگ باج و خشونت، قدرت امر مشترک پنداشته نمی شود. بلکه امر حیثیتی و شرافتی می گردد که جز خویشتدانی کسی به صورت نا محرم، در حرم قدرت نیابستی حضور نداشته باشد. ازین رو است که به جای تعامل و کنار آمدن در قدرت، کنار رفتن رقیب از قدرت و دست یابی مطلق رقیب دیگر به قدرت، اصل پذیرفته شده است.

دست یازیدن اپوزیسیون به خشونت فیزیکی در افغانستان، دقیقاً بر خاسته از همین فضا و فرهنگ سیاسی و اجتماعی

توضیحات وزیر مهاجرت و سرحدات استرالیا در پارلمان این کشور در مورد مصمم بودن این کشور در راستای مبارزه با مهاجرتهای غیر قانونی

برگردان : حسین بهمن



کسانی هم هستند که مهاجر واقعی نبوده بلکه با استفاده از فرصت میخوانند برای خود شان کشور جدید انتخاب کنند. تراکم بیش از حد پناهجویان در مرزهای اروپا و عدم ظرفیت لازم درین کشورها و از همه مهم تر عدم کنترل مرزها باعث میشد که تعدادی از تروبرستان و فرصت طلبان نیز تحت نام پناهجو وارد کشورهای مهاجر پذیر شود. واقعاً تروبرستی و تکان دهنده پاریس نشان داد که اگر مرزها به صورت درست کنترل نشودچه اتفاقی خواهد افتاد.

استرالیا نیز نمیتواند از تهدیدات تروبرستی که از خارج مرزهای این کشور میرسد مصئون باشد هرچند در حال حاضر چنین تهدیدات در اکثر کشورهای اروپایی و حتی در سطح جهان وجود دارد. تعداد کسانی که در استرالیا تلاش کرده اند به گروه های افراطی پیوندند اخیراً افزایش یافته است. طی ما های اخیر به تعداد ۱۴۵ پاسپورت استرالیایی به دلیل احتمال صدمه زدن به امنیت ملی باطل اعلام شده است. بیشتر از ۴۰۰ نفر به خاطر تحقیق به مرکز ضد تروریسم معرفی شده که نسبت سال گذشته تقریباً دو برابر میباشد. ۲۶ نفر دیگر هم از زمانی که هشدارهای امنیتی به حد بالای خود رسیده رسماً به فعالیت های تروریستی متهم شده اند.

پاسخ حکومت در قبال تهدیدات تروریستی جامع و فراگیر بوده است. ما برای اینکه تروریستان نتوانند در استرالیا نفر گیری ویا سفر کنند قانونی را در پنج بخش تهیه نموده ایم که یک بخش آن روز گذشته از سوی قانونگذاران استرالیا پاس شد.

جناب معاون، با وجود موقعیت های ما هنوز هم قاچاقبران انسان میخوانند باور کنند که راه استرالیا باز است. آنان میخوانند با دروغگویی و فرستادن معلومات غلط به مردم بیکار دیگر به مردم فرصت دهد که پولهای هنگفت را برای رسیدن به استرالیا به آنان پرداخت کنند بناء هنوز نیاز است تا به صورت هوشیارانه و آسودن با چنین شایعات مبارزه صورت گیرد. ما تلاش میکنیم همانظوری که یک و نیم سال گذشته هم هیچ کشتی حامل پناهجویان غیرقانونی ننواسته است که موفقانه وارد ابهای استرالیا شود.

وضعیت اروپا و سرازیر شدن صدها هزار پناهجو به کشورهای اروپایی به صورت دقیق نشان میدهد که اگر ما کنترل موفقیت در راستای تمامیت مرزهای ما ببار آورده و پالیسی مهاجرتی ما را استحکام بیشتر بخشیده است. به اساس یافته های بنیاد اسکاتلون که نهاد فوق العاده معتبر است حمایت مردم از پالیسی مهاجرتی استرالیا در بالاترین حد خود از سال ۲۰۰۷ تا اکنون رسیده است.

موفقیت در راستای مجادله با قاچاق انسان فشارها را بالای برنامه حقوق بشری استرالیا نیز افزایش داده است به

در مسیر استرالیا جانش را از دست نداده است. پنج سال قبل ما شاهد واقعه دردناکی بودیم که در نتیجه برخورد یک کشتی حامل پناهجویان با یک صخره در نزدیکی جزیره کریسمس دستکم پنجاه پناهجو (به اساس معلومات ما) وجود جانفشانهای کارمندان سرحدات ما وسایر مسئولین که در ساحه وجود داشتند، در اب غرق شدند.

کارمندان مرزی و نیروهای دفاعی استرالیا طی پنج سال دوران حاکمیت حزب کارگر مصروف کشیدن مهاجرین از دریا بودند در حالیکه وظیفه آنان این بود تا از مرزهای استرالیا دفاع کنند. ما هرگز اجازه نخواهیم داد که آن روزها بار دیگر تراز شود و تراژدیهای دیگری در مسیر استرالیا اتفاق افتد.

از زمان آغاز عملیات حفاظت از مرزهای استرالیا در ماه دسامبر سال ۲۰۱۳ تا اکنون بیشتر از ۲۰ کشتی با ۶۵۰ پناهجوی غیرقانونی که پولهای هنگفتی را به قاچاقبران انسان پرداخته بودند تا آنان را غیر قانونی به استرالیا برسانند از سوی نیروهای بحری استرالیا متوقف و دوباره به کشوری فرستاده شده اند که از آنجا وارد ابهای استرالیا شده بودند.

نکته مهمی که باید فهمید این است که اگر این تعداد کشتیهایی نمیتوانستند موفقانه وارد ابهای استرالیا شوند، قاچاقبران انسان یکبار دیگر چانس آن را بیافند که دوباره به تجارت شان رو آورده و بدون شک تا اکنون نه تنها ۲۰۰ کشتی بلکه ۲۰۰۰ کشتی با پناهجویان غیرقانونی وارد استرالیا میشدند.

عملیات حفاظت از مرزهای استرالیا یک پالیسی سختگیرانه علیه قاچاقبران انسان و پناهجویان غیرقانونی است که هرگز تغییر نخواهد کرد زیرا این پالیسی باعث شده است تا دیگر پناهجویان در مسیر استرالیا جانهایشانرا از دست ندهند. اکنون که پس از دوسال ما موفق شده ایم دروازه های استرالیا را بروی پناهجویان غیرقانونی مسدود کنیم، در واقع ما مصروف قانونمند سازی مسئله هستیم که از دوران حکومت پنج ساله حزب کارگر به میراث برده ایم.مسئله ی ۳۰۰۰ مهاجری که توانستند به صورت غیر قانونی وارد استرالیا شوند.

حزب کارگر دستکم ۱۷ مرکز جدید برای نگهداری پناهجویان ایجاد کرد در حالیکه ما ۱۳ تای آن را تا اکنون مسدود کرده ایم. قبل از آغاز عملیات حفاظت از مرزهای استرالیا حدود ۹۰۰۰ پناهجو در کمپ های استرالیا نگهداری میشدند در حالیکه ما اکنون این امار را فقط به



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

افغانستان
The Daily Afghanistan

روزنامه

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine